



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

عبدالعظیم حسنی

و روایات

محمد امین

علیرضا هزار



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# عبدالعظیم حسنی و روایات مہدویت

نویسنده:

علیرضا ہزار

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مہدی موعود (علیہ السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانہ‌ای قائمہ اصفہان

## فهرست

|    |   |
|----|---|
| ۵  | فهرست   |
| ۷  | عبدالعظیم حسنی و روایات مهدویت                |
| ۷  | مشخصات کتاب                                   |
| ۷  | مقدمه   |
| ۷  | زندگانی عبدالعظیم حسنی                        |
| ۸  | مقام او نزد ائمه اطهار                        |
| ۸  | سخن امام هادی درباره وی                       |
| ۹  | نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده چهار هجری |
| ۱۰ | نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده پنجم هجری |
| ۱۱ | نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده هفتم      |
| ۱۱ | نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده هشتم      |
| ۱۲ | نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده نهم       |
| ۱۲ | نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده یازدهم    |
| ۱۳ | نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده دوازدهم   |
| ۱۴ | نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده سیزدهم    |
| ۱۴ | نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده چهاردهم   |
| ۱۴ | عبدالعظیم حسنی و روایات مهدویت                |
| ۱۴ | اشاره   |
| ۱۴ | قیام قائم                                     |
| ۱۶ | سنگ باران کردن شیطان در زمان ظهور             |
| ۱۷ | نامه نبوی - علوی                              |
| ۲۲ | عرض دین بر معصوم                              |
| ۲۵ | ویژگی انتظار                                  |
| ۲۵ | شرایط غیبت                                    |

۲۶ ..... منتظران، بهترین اهل زمان

۳۰ ..... ویژگی های مهدی

۳۲ ..... نتیجه روایت نقل شده از طریق عبدالعظیم حسنی درباره امام عصر

۳۳ ..... درباره مرکز

### مشخصات کتاب

نویسنده: علیرضا هزار

ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

### مقدمه

در این نوشتار کوتاه روایاتی از حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) نقل شده است که در آن به مهدویت و مسائل مربوط به آن اشاره شده است. کوتاه نوشت حاضر در سه بخش می باشد: ۱- شخصیت و زیست نامه حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام). ۲- روایات رسیده از وی در باره امام زمان (علیه السلام) به همراه ترجمه فارسی آنها. ۳- یک نتیجه گیری کوتاه بر اساس روایات نقل شده.

### زندگانی عبدالعظیم حسنی

عبدالعظیم به عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام)، صاحب کتاب «خطب امیرالمؤمنین» و «الیوم و اللیله» مشهور به حضرت عبدالعظیم و شاه عبدالعظیم، از سادات حسنی و از بزرگان این خاندان، و مورد احترام امامان عصر خود و از راویان موثق است به موجب روایتی که امام هادی (علیه السلام) در باب فضیلت زیارت او آورده اند، روشن می شود که پیش از شهادت این امام بزرگوار (۲۵۴ هـ - ق) در گذشته است، و می توان گفت در آغاز دهه ششم از سده سوم هجری و در خلافت «المعتز» زندگانی را بدرود گفته است مؤلف کتاب «جنه النعیم» با آنکه نام زوجه آن جناب را هم نوشته (۱) متعرض تاریخ ولادت، سن و سال دقیق رحلت او نشده و تنها می نویسد: «پس باید وفات حضرت عبدالعظیم، اوایل ۲۵۰ هجری، چند سال قبل از شهادت حضرت امام علی النقی (علیه السلام) باشد.» (۲) از امامان بزرگوار، با امام جواد، امام هادی و امام عسکری (علیهم السلام) معاصر بوده است. اما آیا محضر حضرت امام علی بن موسی (علیه السلام) را هم درک کرده و حدیثی شنیده است مؤلف الذریعه در این باره می نویسد: «عصر امام رضا و

ص: ۱

۱- ۱. جنه النعیم والعیش السلیم، المولی باقر بن اسماعیل المازندرانی (م ۱۳۱۳ هـ - ق) ص ۴۴۴ چاپ سنگی تهران.

۲- ۲. جنه النعیم، ص ۴۰۲.

امام جواد (علیه السلام) را درک نمود و ایمان خود را بر امام هادی (علیه السلام) عرضه کرد. و از برخی کتاب ها نقل است که وفات او در نیمه شوال سال ۲۵۲ هجری است». (۱) ابن بابویه در «من لا یحضره الفقیه» در باب روزه یوم الشک، روایتی از او از امام رضا (علیه السلام) آورده و ذیل آن نوشته است: «مصنف کتاب گوید حدیثی است غریب و آن را جز از طریق عبدالعظیم حسنی نمی شناسم». (۲) همچنین در تعلیقه ی شهید ثانی بر «خلاصه» آمده است که حضرت رضا (علیه السلام) بر زیارت او توصیه فرموده است. (۳) لیکن عالم رجالی معاصر جناب آقای شوشتری می نویسد: «ظاهر این است که روایت حضرت رضا (علیه السلام) در وجوب بهشت برای زیارت فاطمه دختر موسی بن جعفر (علیه السلام) است، نه برای عبدالعظیم». (۴) استاد بزرگوار آیه الله خویی (ره)، آنچه را که در کتاب «اختصاص» آمده است که امام هشتم به عبدالعظیم فرمود: «سلام مرا به اولیای من برسان»، به خاطر ارسال حدیث نامعتمد دانسته و نوشته اند: «متحصل از کلمات اصحاب ما این است که عبدالعظیم، امام رضا (علیه السلام) را ندیده است، تا چه رسد که در حیات آن امام در گذشته باشد». (۵) پس ظاهراً بلکه مطمئناً وی محضر امام هشتم را درک نکرده و مستقیماً از او روایتی نشنیده است.

### مقام او نزد ائمه اطهار

آنچه جلالت قدر این بزرگوار و امامزاده عالی مقدار را هر چه بیشتر آشکار می سازد، و عظمت مقام او را نشان می دهد، فرموده امام عصر اوست درباره اش و همین سخنان است که دانشمندان علم رجال را به تکریم او واداشته است.

### سخن امام هادی درباره وی

ابوتراب رویانی از ابوحامد رازی میآورد که بر علی بن محمد (علیه السلام) در «سَرَّ مَنْ رَأَى» درآدم.

ص: ۲

---

۱-۳. الذریعه، ذیل عنوان خطب امیرالمؤمنین (علیه السلام).

۲-۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۸۰.

۳-۵. روضات الجنات، محمدباقر الخوانساری، ج ۴، ص ۲۱۰.

۴-۶. قاموس الرجال، التستری، ج ۵، ص ۳۷۴.

۵-۷. معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۴۹.



و او را از مسائل حلال و حرام پرسیدم و مرا پاسخ گفت. چون او را وداع گفتم فرمود: «حماد! اگر برای تو مشکلی در دین پیش آید، از عبدالعظیم بن عبدالله حسنی پیرس و سلام مرا به او برسان». (۱) همچنین این امام بزرگوار درباره ی او دعا کرده و دین او را درست خواند. صدوق به اسناد خود از وی می نویسد: بر امام خویش علی بن محمد بن علی موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) در آمد. چون مرا دید فرمود: «مرحبا بر تو ای ابوالقاسم! تو به حق دوست مایی». گفتم: «پسر رسول خدا! می خواهم دین خود را بر تو عرضه کنم تا اگر پسندیده است بر آن ثابت بمانم تا خدا را دیدار کنم». فرمود «بگو!» و چون عقیدت خویش عرضه کردم امام فرمود: «ابوالقاسم، به خدا این دین خداست که آن را برای بندگانش پسندیده است بر آن پایدار باش خدایت در دنیا و آخرت بر آن پایدار بدارد». (۲). نیز صدوق آورده است که مردی به ابوالحسن علی بن محمد هادی (علیه السلام) در آمد امام (علیه السلام) از او پرسید کجا بودی؟ گفت: زیارت حسین (علیه السلام) رفته بودم. فرمود: اگر قبر عبدالعظیم را که نزد شماست زیارت می کردی چون کسی بودی که قبر حسین (علیه السلام) را زیارت کرده است. (۳).

### نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده چهار هجری

ترتیب قرن بر حسب درگذشت نویسنده است. (۱) صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه (م ۳۸۱ هـ - ق) کتابی درباره ی این بزرگوار به نام «اخبار عبدالعظیم» (۴) دارد که در آن خبرهای روایت شده از او را آورده است. وی درباره ی عبدالعظیم نوشته است: عابد، پارسا و مرضی بود. (۵) (۲).

ص: ۳

- 
- ۱- ۸. رساله صاحب بن عباد به نقل ری باستان، حسین کریمان، ج ۱، ص ۳۵۶؛ روضات، ج ۴، ص ۲۰۸ حضرت آیه الله خوبی نوشته اند این روایت لااقل از جهت مرسل بودن ضعیف است (معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۴۹).
  - ۲- ۹. توحید، ص ۸۱ - ۸۲، روضات، ج ۴، ص ۲۰۷ و ۲۰۸. ]
  - ۳- ۱۰. روضات، ج ۴، ص ۲۱۱ به نقل از ثواب الاعمال، ص ۴۶۰، قاموس الرجال، ح ۵، ص ۳۴۶.
  - ۴- ۱۱. ریحانه الادب، محمدعلی مدرّس تبریزی.
  - ۵- ۱۲. جنه النعیم.

صاحب، اسماعیل بن عبّاد، ادیب و دانشمند معروف (متوفای ۳۸۵ هـ-ق)، وزیر مؤید الدوله و فخر الدوله دیلمی، مشهور به صاحب به عبّاد، به تقاضای شخصی، رساله ای در نسب این بزرگوار نوشته و در ضمن آن چنین آورده است: پارسا و دین دار و عابد و شناخته به امانت و صدق لهجت بود، و عالم به امور دین، و قائل به توحید و عدل، و روایت بسیار از او نقل است. از ابوجعفر بن علی بن موسی (علیه السلام) و پدرش ابوالحسن صاحب عسکر (علیه السلام) روایت کند و آن دو امام را برای او نامه هاست. (۱). (۳). ابونصر [سهل بن عبدالله] بخاری مؤلف کتاب «سرا لا نساب» که با نقل مؤلف الذریعه از دانشمندان سده ی چهارم هجری است، او را به زهد و علم ستوده، و گوید در ری، در مسجد شجره مدفون است. (۲).

### نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده پنجم هجری

(۱) علم الهدی و الثقی سید مرتضی (م ۴۳۶ هـ-ق) وی را با صفت‌های «سید پارسا، عالم زاهد، بلند مرتبت، بزرگ منزلت» ستوده و می نویسد: از امامان، امام جواد، امام هادی و امام عسکری (علیه السلام) را درک کرد و شیعه از حدیثها و روایت‌های او تاکنون بهره برده است. (۲). (۳). دانشمند رجالی مشهور ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن عباس معروف به نجاشی (م ۴۵۰ هـ-ق) در کتاب رجال خود داستان آمدن این سید بزرگوار را به ری و مخفی زیستن و به عبادت پرداختن او را آورده (چون این داستان در بیشتر کتابها و از جمله کتابهای زیارت آمده، از نوشتن آن صرف نظر می کنیم). سپس سلسله روایت خود را از وی از طریق احمد بن علی تا به ابوتراب رویانی می آورد و

ص: ۴

۱-۱۳. روضات، ج ۴، ص ۲۰۸.

۲-۱۴. سرا لانساب، ص ۱۰، به نقل ری باستان، ج ۱، ص ۳۸۹.

۳-۱۵. جنه النعیم، ص ۴۷۹؛ ری باستان، ج ۱، ص ۳۸۷.

می نویسد: عبدالعظیم بن عبدالله، همه روایتهای خود را برای ما حدیث کرد. (۱). (۳). شیخ الطائفه محمد بن الحسن الطوسی (م ۴۶۰ هـ - ق) نویسد: عابد، پارسا و مرضی بود. (۲). (۴). سید عالم نسب دان ابو اسماعیل ابراهیم بن عبدالله بن حسین بن علی شاعر، صاحب کتاب «منتقله الطالبیه»، (۳) در زمره طالبیانی که به ری آمده اند درباره عبدالعظیم نویسد: ابوالقاسم، عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید، محدث و زاهد بود. او را مشهدی است در شجره ری و قبر او را زیارت کنند. مادر او ام ولد است.

### نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده هفتم

در کتاب «الشجره المبارکه فی الانساب الطالبیه» که آن را از امام فخر رازی (۴) دانسته اند آمده است: عبدالعظیم در وی کشته شد و مزار او بدان جا معروف و مشهور است. (۵) آنچه در باب کشته شدن حضرت عبدالعظیم در این کتاب (منسوب به امام فخر) آمده، در کتابهای دیگر نیست. تنها مؤلف «جنه النعیم» می نویسد: بنا بر این استبعاد نمی رود که حضرت عبدالعظیم به امر سلطان جائر و خلیفه معاصر مقتول شده باشد و این بعد از اجتماع شیعیان و محبین و نشر احوال و فضایل و مآثر شریفش بوده است. (۶) ولی آیا کتاب «الشجره المبارکه» از فخر رازی است؟ چنانکه مصحح محترم در مقدمه کتاب نوشته اند، هیچ کس از تذکره نویسان، چنین کتاب را در شمار تألیفات فخر رازی نیاورده است.

### نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده هشتم

(۱) تقی الدین، حسن بن علی بن داوود حلی؛ [مرحوم سید جلال الدین محدث نویسد: وی ظاهراً متوفی در نیمه اول سده ی هشتم هجری است چه کتاب خود را در هفتصد و هفت به پایان رسانیده است. تقی الدین درباره او می نویسد: ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن

ص: ۵

---

۱- ۱۶. رجال نجاشی، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۱۷ ه. ق.

۲- ۱۷. جنه النعیم، ص ۴۷۱.

۳- ۱۸. منتقله الطالبیه، نسخه عکسی کتابخانه لغت نامه دهخدا.

۴- ۱۹. امام فخر رازی (م ۶۰۶ ه) از دانشمندان اهل سنت است.

۵- ۲۰. الشجره المبارکه، ص ۶۴، منشورات کتابخانه آیه الله مرعشی.

۶- ۲۱. جنه النعیم، ص ۴۰۱.

حسن بن علی بن ابی طالب عابدی پارسا و پسندیده بود. (۱). (۲). حسن بن یوسف بن علی بن مطهر معروف به علامه ی حلی (م ۷۲۶ هـ-ق) در کتاب «خلاصه» در باره ی او گوید: عالم، عابد و پارسا بود و او را حکایتی است که دلالت بر حسن حال او کند و ما آن حکایت را در کتاب کبیر آورده ایم مؤلف «روضات» می نویسد: شاید مقصود از حکایت، داستان عرض دین است بر امام عصر خویش. (۲).

### نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده نهم

(۱) مؤلف کتاب «عمده الطالب»، سید احمد بن علی داوودی حسنی (م ۸۲۸ هـ-ق) نویسد: از عبدالله بن علی شدید. عبدالعظیم متولد شد. سیدی زاهد که در مسجد شجره ری مدفون است و قبر او را زیارت کنند و فرزند او محمد است و محمد را اولادی نبود. (۳) و هم این مؤلف در کتاب دیگر می نویسد: ونسل علی الشدید بن الحسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) از عبدالله بن علی است و نسل عبدالله از احمد بن عبدالله و عبدالعظیم و حسن... و عبدالعظیم زاهدی بزرگ بود و پسر او محمد نیز. (۴).

### نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده یازدهم

(۱) محمد باقر بن محمد استرآبادی مشهور به میرداماد (م ۱۰۴۱)؛ وی در «الرواشح السماویه» گفته است: از سخنان ذایع شایع این است که طریق روایت از جهت ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله حسنی، مدفون به مشهد شجره ری - رضی الله تعالی عنه و ارضاه - حسن است، چه او ممدوح است و نصی بر توثیق او نیست. لیکن در نظر من ناقد بصیر و متبصر خبیر این نظر را مستهجن و قبیح می شمارد و اگر درباره ی او جز حدیث عرض دین و حقیقت معرفت او و فرموده ی

ص: ۶

---

۱- ۲۲. کتاب الرجال، چاپ مرحوم محدث، ص ۲۲۶.

۲- ۲۳. روضات، ج ۴، ص ۲۱۰.

۳- ۲۴. عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، ص ۷۵.

۴- ۲۵. الفصول الفخریه، چاپ مرحوم محدث، ص ۱۰۷.

امام هادی ابوالحسن ثالث (علیه السلام) که «تو به حق دوست مایی» و نسب شریف وی که از سلاله نبوت است نبود، او را کفایت می کرد. (۱) مرحوم نوری می نویسد: محقق داماد در «رواشح» در شرح حال و در فضل زیارت او روایتهای متضافره آورده؛ از جمله اینکه کسی که او را زیارت کند بهشت برای او واجب است. (۲).

### نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده دوازدهم

۱) شیخ محمد بن حسن حر عاملی (م ۱۱۰۴) مؤلف کتاب «وسائل الشیعه» می نویسد: ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام)، عابد و پارسا بود و او را حکایتی است که دلالت بر حسن حال او کند. این بابویه گفته است او مرضی بود. علامه و نجاشی نیز چنان گفته اند. صدوق در «ثواب الاعمال» آورده است که زیارت او چون زیارت حسین (علیه السلام) است. (۳). (۲). علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ هـ - ق) ذیل عنوان «فضل زیارت عبدالعظیم» روایت منقول از امام هادی (علیه السلام) را که زیارت عبدالعظیم برابر زیارت حسین (علیه السلام) است از «ثواب الاعمال» صدوق و «کامل الزیارات» و نیز داستان در آمدن او را به ری تا به خاک سپرده شدنش در باغ عبدالجبار نقل کرده است. (۳). محمد بن علی اردبیلی (تاریخ ولادت و وفات او به تحقیق معلوم نیست و چون اجازه مجلسی برای او در سال ۱۰۹۸ صادر شده پس می توان او را از عالمان سده ی یازدهم و متوفای سده ی دوازدهم به شمار آورد) اردبیلی در باره ی عبدالعظیم نویسد: عبدالعظیم بن عبدالله حسن علوی... عابد و پارسا بود و او را حکایتی است که بر نیکویی او دلالت کند (سپس همان روایتی را که مردی از اهل

ص: ۷

---

۱- ۲۶. روضات، ج ۴، ص ۲۰۹ و آن از ارواشح.

۲- ۲۷. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۶۷.

۳- ۲۸. وسائل، چاپ دار احیاء التراث، ج ۲۰، ص ۲۲۸ - ۲۲۹.

ری نقل کند آورده است). (۱).

## نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده سیزدهم

(۱) محمد بن اسماعیل حائری (م ۱۲۱۵ هـ. ق) در کتاب «منتهی المقال فی علم الرجال» در باره ی او می نویسد: «او راست کتاب «خطب امیر المؤمنین، علیه السلام». وی مردی عابد و پارسا بود.»

## نظر دانشمندان شیعه درباره او در سده چهاردهم

(۱) حاج میرزا ابوالقاسم نراقی مؤلف کتاب «شعب المقال فی احوال الرجال» می نویسد: ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید حسن بن علی بن ابی طالب ثقه ای جلیل القدر بود. گریزان از سلطان به ری درآمد و در آنجا بمرد و به خاک سپرده شد. امام هادی (علیه السلام) به بعضی از اصحاب خود فرمود: اگر قبر عبدالعظیم را زیارت می کردی چون کسی بودی که حسین بن علی (علیه السلام) را زیارت کرده است. (۲).

## عبدالعظیم حسنی و روایات مهدویت

### اشاره

آنچه فرا روی شماست، مجموعه ایست کوچک از هشت روایتی که از عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) درباره ی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسیده است. این روایت ها که واجد سندهای پذیرفته ای هم هستند در موضوعاتی بسان ویژگی های امام عصر (اروحانفاده)؛ غیبت و آثار آن؛ انتظار و فضیلت آن؛ عصر ظهور و رخدادهای آن و نیز برتری منتظران بر غیرمنتظران آمده است کوشیده ایم این اخبار را از مصادر و منابع اولیه نقل کنیم گفتنی است که از جمله روایتی که در این مجموعه آمده است روایت مشهور به عرض دین است. این روایت بلندترین روایت رسیده از حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) است که تاکنون شرح هایی هم بر آن نگاشته شده است. علت اینکه این روایت در این مجموعه نشده است، بحث مهدویتی است که در پایان آن مطرح شده است.

### قیام قائم

عن عبدالعظیم الحسنی (رضی عنه الله) قال: قلت لمحمد بن علی بن موسی (علیهم السلام): یا مولای ائی لارجوان تکون القائم من اهل بیت

ص: ۸

۱- ۲۹. جامع الرواه، الاردبیلی، ص ۴۶۰.

۲- ۳۰. شعب المقال، النراقی، ص ۷۰ - ۷۱. ر.ک: مقاله «عظمت شخصیت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام)»، سید جعفر شهیدی، مجله علوم حدیث، ش ۱.

محمد الذي يملأ الارض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً. فقال (عليه السلام): مامنا الا قائم بأمر الله. و هاد إلى دين الله ولكن القائم الذي يطهر الله به الارض من اهل الكفر والجهود ويملا الارض قسطاً وعدلاً هو الذي يخفى على الناس ولادته، و يغيب عنهم شخصه، و يحرم عليهم تسميته، و هو سمى رسول الله و كتبه، و هو الذي تطوى له الارض و يذل له كل صعب، يجتمع اليه من اصحابه عدّه اهل بدر: ثلاثمائة و ثلاثه عشر رجلاً من اقاصى الارض و ذل قول الله: (أَيُّ نَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنْ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (١) فإذا اجتمعت له هذه العدد من اهل الاخلاص اظهر الله امره، فاذا كمل له العقد و هو: عشره آلاف رجل خرج باذن الله، فلا يزال يقتل اعداء الله حتى يرضى عزوجل قال عبدالعظيم: فقلت له: يا سيدي! فكيف يعلم ان الله قد رضى قال: يلقي في قلبه الرحمه، فاذا دخل المدينه اخرج اللات والعزى فأحرقهما. (٢) عبدالعظيم حسنى گفت: به حضرت جواد عرض کردم: من امیدوارم که آن «قائم» که زمین را پر از عدل و داد کند پس از آنکه از جور و ستم پر شده باشد از خاندان حضرت رسول الله، شما باشی حضرت فرمود: ای ابوالقاسم! ما اهل بیت همه قائم به امر خداوندیم و راهنمای دین او هستیم، لیکن آن قائم که خداوند بوسیله او جهان را از کفر و آلودگی و ظلم و جنایت پاک خواهد کرد، و جهان را پر از عدل و داد می نماید، کسی است که ولادت او از انظار مخفی می ماند و شخص او از مردم پنهان می شود، و

ص: ۹

---

۱- ۳۱. البقره / ۱۴۸.

۲- ۳۲. کمال الدین ۱ / ۳۶؛ الاحتجاج ۲ / ۲۴۹.

بردن نام او بر مردم حرام می گردد، آن حضرت با پیغمبر هم نام و هم کنیه است، وی آن شخصی است که زمین از برای او در هم پیچیده می گردد و هر دشواری برایش آسان می شود، یاران وی که به اندازه ی اصحاب بدر هستند در هر کجای دنیا باشند پیرامونش جمع می شوند، و تفسیر آیه ی شریفه ی (أَيُّ نَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) در هر جایی که باشید خداوند همه شما را جمع می کند و پروردگار به همه چیز توانا است ناظر به این معنی است، هر گاه این عده که از اهل اخلاص اند اجتماعی کنند، خداوند امر او را اظهار خواهد نمود، وقتی که لشکریان آن حضرت که ده هزار نفرند بهم پیوندند در این هنگام به فرمان و اذن پروردگار ظهور خواهد نمود، و دشمنان خداوند را خواهد کشت تا از وی راضی گردد عبدالعظیم حسنی گوید: عرض کردم: آن بزرگوار از کجا می داند که خدا از وی راضی شده است فرمود: در دل وی رحمت و عاطفه ای پیدا می شود که حاکی از رضایت خداوند است و هرگاه داخل مدینه شود، لات و عزی را از قبر بیرون می کند و می سوزاند.

### سنگ باران کردن شیطان در زمان ظهور

۲. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الشَّيْبَانِيُّ (رضی عنه الله) قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ، عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ (عليهم السَّلام) يَقُولُ: مَعْنَى الرَّجِيمِ أَنَّهُ مَرْجُومٌ بِاللَّعْنِ، مَطْرُودٌ مِنْ مَوَاضِعِ الْخَيْرِ، لَا يَذْكَرُهُ مَوْءٌ مِنْ إِلَّا لَعْنَهُ، وَ أَنَّ فِي عِلْمِ اللَّهِ السَّابِقِ أَنَّهُ إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ (عليه السَّلام) لَا يَبْقَى مَوْءٌ مِنْ فِي زَمَانِهِ إِلَّا رَجَمَهُ بِالْحِجَارَةِ



کما كان قبل ذلك مرجماً باللعن. (۱) از عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) رسیده است که گفت از حضرت هادی (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: مقصود از «رجیم» از رحمت و آمرزش دور شدن و از درگاه خداوند رانده گردیدن، و از منع فیض طرد شدن است، هیچ مؤمنی او را بیاد نمی آورد مگر بالعن و نفرت، و از علم خداوند گذشته که هرگاه ولی عصر ظهور نماید همه ی مؤمنین زمان آن حضرت، شیطان را سنگ باران خواهند کرد، همان طور که پیش از او بالعن و نفرین رانده شده بود.

### نامه نبوی - علوی

۳. محمد بن علی بن الحسین قال: حدّثنا ابوالعباس محمد بن إبراهيم بن إسحاق الطالقانی (رضی عنه الله) قال: حدّثنا الحسن بن إسماعیل قال: حدّثنا سعید بن محمد بن القطان قال: حدّثنا عبیدالله بن موسی الرویانی عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی، عن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب قال: حدّثنی عبدالله بن محمد بن جعفر، عن ابیه عن جدّه أنّ محمد بن علی باقر العلم (علیه السلام) جمع ولده و فیهم عمّهم زید بن علی، ثم اخرج کتاباً إليهم بخطّ علی و إملاء رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلّم) مکتوب فيه بسم الله الرحمن الرحيم هذا كتاب من الله العزيز الحكيم إلى محمد نوره وسفيره، وحجابه ودليله، نزل به الروح الامين من عند ربّ العالمين عظم يا محمد اسمائي، واشكر نعمائي، ولا تجحد آلائي، انّي انا الله لا اله الاّ انا، قاصم الجبارين، ومذلّ الظالمين، ومبیر المتكبرين، وديان يوم الدين، انّي انا الله لا اله الاّ انا، فمن رجا غير فضلي، او خاف غير عدلي عذّبه عذاباً لا اُعدّبه احداً من العالمين؛ فايّاي فاعبد، وعلی فتوكل، انّي لم ابعث نبياً

ص: ۱۱

فأكملت أيامه وانقضت مدته ألا جعلت له وصياً وأنى فضلتك على الانبياء، وفضلت وصيك على الاوصياء، واكرمتك بشليك بعده و بسبطيك الحسن والحسين، وجعلت حسناً معدن علمي بعد انقضاء مدّه ابيه، وجعلت حسيناً خازن و حبي و اكرمته بالشهاده و ختمت له بالسعاده فهو افضل من استشهد و ارفع الشهداء درجه، جعلت كلمتي التامه معه والحجّه البالغه عنده، بعترته أئيب وأعاقب، أولهم «عليّ» سيّد العابدين، وزين اوليائي الماضين، وابنه سمّي جدّه المحمود «محمّد» الباقر لعلمي والمعدن الحكمتي، سيهلك المرتابون في «جعفر» الرادّ عليه كالرادّ عليّ، حقّ القول منّي لا-كر منّ مشوى جعفر، ولأسرّنه في اشياعه وانصاره واوليائه وانتحبت بعد «موسى» فتنه عمياء حندس؛ لأنّ خيط فرضى لا ينقطع، و حجّتي لا تخفى، وانّ اوليائي يسقون بالكأس الاوفى، من جحد واحداً منهم فقد جحد نعمتي، ومن غير آيه من كتابي فقد افترى عليّ، ويل للمفترين الجاحدين عند انقضاء مدّه موسى، عبدى و حبيبي، وخيرتى في «عليّ» وليي وناصرى ومن اضع عليه اعباء النبوه، وامتحنه بالاضطلاح بها يقتله عفريت متكبر، يدفن في المدينه التي بناها العبد الصالح الى جنب شرّ خلقى. حقّ القول منّي لا سرّنه «محمد» ابنه، وخليفته من بعده و وارث علمه، فهو معدن علمي وموضع سرّي وحجّتي على خلقى، لا- يؤ من به عبد الا- جعلت الجنّه مثواه و شفّعتّه في سبعين من اهل بيته كلّهم قد استوجبوا النار، واختم بالسعاده لابنه «عليّ» وليي وناصرى، والشاهد في خلقى، و امينى على و حبي، أخرج منه الداعى الى سبيلى، والخازن لعلمي «الحسن» واكمل ذل بابنه «م ح م د» رحمه للعالمين، عليه كمال موسى و بها عيسى و صبر ايتوب، فيذلّ اوليائي في زمانه، وتتهادى رو وسهم كما تتهادى رو وس الترك

والديلم، فيقتلون، ويحرقون و يكونون خائفين، مرعوبين وجلين، تصبغ الارض بمائهم، ويفشو الويل والرثه في نسائهم، اولئك اوليائي حقاً، بهم ادفع كل فتنه عمياء حنوس، وبهم اكشف الزلازل، وادفع الاصر والاعلال، اولئك عليهم صلوات من ربهم و اولئك هم المهتدون ثم قال في آخره: قال عبدالعظيم: العجب كل العجب لمحمد بن جعفر وخروجه اذ سمع اباه (عليه السلام) يقول هكذا ويحكيه ثم قال: هذا سرُّ الله ودينه ودين ملائكته؛ فصنه الا اهلُه واوليائه (١). ٣- عبدالله بن محمد بن جعفر از پدرش و او از جدش روایت کرده که حضرت باقر (علیه السلام) فرزندان خود را پیرامونش جمع نمود و در میان آنها عم آن حضرت زید بن علی هم بود، پس از آن حضرت باقر (علیه السلام) کتابی را بیرون آورد که به خط امیرالمؤمنین (علیه السلام) و املاء حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) بود، و در آن کتاب مطالب ذیل نوشته شده بود بسم الله الرحمن الرحيم این کتابی است از خداوند توانا و درستکار به سوی محمد که نور او و سفیر او و حجاب او و رهنمای اوست، این نامه را جبرئیل امین از نزد خداوند جهانیان فرود آورده ای محمد! نامه‌ای مرا بزرگ بشمار و از نعمتهای من سپاسگزاری کن، منم خدایی که جز من معبودی نیست، شکننده ی پشت ستمگران و عزت دهنده ی ستمدیدگان، و قاضی و حاکم روز رستاخیز. منم خداوندی که جز من معبودی نیست، هر کس غیر از احسان من از دیگری امیدوار باشد، و یا غیر از عدل من از دیگری بترسد او را عذابی دهم که احدی را مانند آن عذاب نکرده باشم اکنون مرا عبادت کن و بر

ص: ۱۳

من توکل نما. پیغمبری را مبعوث نمی کنم مگر اینکه در هنگام انقضای زمان او برایش وصی قرار می دهم، و من تو را بر همه پیغمبران برتری دادم و وصیت را نیز بر سایر اوصیاء برگزیدم، و تو را گرامی داشتم به دو فرزندت حسن و حسین که دو شیر بیچه اند، حسن را بعد از گذشتن زمان پدرش معدن علم خود قرار دادم، و حسین را گنجور و حی خویش ساختم و او را به شهادت گرامی داشتم، و عاقبت کار او را به سعادت ختم نمودم، او افضل شهداء است و بلندترین مقام را در میان آنها دارد، کلمه ی تامه و حجّت بالغه خود را در نزد او گذاشتم، بوسیله عترت او جزا می دهم و عقاب می کنم اولین آن عترت «علی» است که پیشوای عبادت کنندگان و زینت دوستان گذاشته ام هست، و فرزندش «محمد» که همانم جدش می باشد شکافنده ی علم و معدن حکمت من است، زود است که مردم درباره ی «جعفر» به شک افتند و هلاک گردند، کسی که وی را تکذیب کند گویا مرا تکذیب کرده است، و من جایگاه جعفر را گرامی خواهم داشت، و او را بوسیله شیعیان و دوستان و پیروانش خوشنود خواهم ساخت. پس از وی به «موسی» فتنه ی تاریک و ظلمانی نازل خواهد شد، رشته تقدیراتم بریده نمی شود و برهانم پنهان نمی ماند و دوستانم از جام پری سیراب می گردند، هر کس یکی از آنها را انکار نماید به نعمت من ناسپاسی کرده، هر که آیه ای از کتاب مرا جا به جا کند بر من دروغ بسته، وای بر مفتترین و منکرین. در این هنگام که زمان «موسی» منقضی شود، بنده و

دوست و برگزیده ام «علی» که ولی و یاری کننده ی من است خواهد آمد، کسی که سنگینی های نبوت را بر دوش او می گذارم و او را به قوت و نیرو در حمل اعباء رسالت آزمایش می کنم، او را دیوی سرکش و خودپرست خواهد کشت، و در شهری که بنای آن بدست بنده صالح گذاشته شده در نزد بدترین مخلوقات من دفن خواهد گردید. گفتارم ثابت است او را بوسیله فرزندش «محمّد» که جانشین و وارث علم و دانش اوست مسرور خواهم ساخت، او معدن علم و محلّ اسرار و بر مخلوقاتم حجّت است، هیچ بنده ای به او ایمان نیاورد مگر اینکه بهشت را جایگاه او قرار خواهم داد، و او را در هفتاد نفر از خویشاوندانش که آتش جهنّم بر آنها لازم شده باشد شفیع خواهم ساخت. فرزند او «علی» را که دوست و یاری کننده من است عاقبت کارش را به سعادت و خوشبختی پایان می دهم و او را گواه در میان مردمان و امین در وحی خود قرار خواهم داد و از وی دعوت کننده به طریقم و خازن علم خود «حسن» را بیرون خواهم آورد، و او را به فرزندش «محمّد» که وسیله آمرزش برای جهانیان است تکمیل خواهم نمود. در این فرزند کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب نهفته است، در زمان او دوستانم خوار خواهند شد و سرهای آنها را به یکدیگر هدیه خواهند داد همان طور که سرهای ترک و دیلم را به هم هدیه می دادند، اینان کشته می شوند و سوخته می گردند، آنان همواره ترسان، مرعوب و اندیشه مند هستند، زمین به خون اینها رنگین می شود،

فریاد و ناله و بانگ و شیون از زنان آنها بلند است، و اینها از دوستان واقعی من هستند، بوسیله اینها هر فتنه تاریک و ظلمانی را دفع خواهم ساخت، و به خاطر اینها زلزله ها را برطرف می کنم و سختی ها و ظلم ها را بر می دارم، این دسته از مردم مشمول رحمت خداوند بوده و صلوات او شامل حال آنها می باشد و اینان هدایت شده هستند در پایان حدیث عبدالعظیم فرمود: از محمّد بن جعفر تعجب است پس از اینکه این حدیث را از پدرش شنید و آن را از برای مردم بازگو کرد، به گفتار او توجهی نکرد و خروج نمود، این از اسرار پروردگار است، او را از ناهلان نگهدارید.

### عرض دین بر معصوم

حدّثنا علی بن احمد بن موسی الدّقان (رضی عنه الله) وعلی بن عبدالله الّوزّاق جمیعاً قالوا: حدّثنا محمّد بن هارون الصّوفی قال: حدّثنا ابو تراب عبیدالله بن موسی الرویانی، عن عبدالعظیم ابن عبدالله الحسنی قال: دخلت علی سیدی علی بن محمّد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (علیهم السّلام) فلمّا بصر بی قال لی: مرحباً بک یا اباالقاسم، انت ولینا حقّاً قال: فقلت له: یا بن رسول الله! انّی ارید ان اعرض علی دینی، فإن کان مرضیّاً ثبتّ علیّه حتّی الفی الله عزّوجلّ فقال: هات یا ابا القاسم فقلت: انّی اقول انّ الله تعالی واحد لیس کمثله شیء، خارج من الحدّین: حدّ الإبطال و حدّ التشبیه، و أنّه لیس بجسم ولا- صوره ولا- عرض ولا- جوهر، بل هو مجسّم الاجسام، ومصوّر الصور، وخالق الاعراض والجواهر، وربّ کلّ شیء و مالکة و خالقہ، وجاعله ومحدّثه، وانّ محمّداً عبده

ورسوله خاتم النبیین، فلا نبی بعده إلى يوم القيامة، وأن شریعته خاتمه الشرائع، فلا شریعه بعدها إلى يوم القيامة، وأقول أن الأمام والخلیفه وولی الامر بعده امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السّلام)، ثم الحسن، ثم الحسین، ثم علی بن الحسین، ثم محمّد بن علی، ثم جعفر بن محمّد، ثم موسى بن جعفر، ثم علی بن موسى، ثم محمّد بن علی، ثم انت یا مولای فقال علی (علیه السّلام): و من بعدی الحسن ابنی، فکیف للنّاس بالخلف من بعده قال: قلت، وکیف ذاک یا مولای قال: لِأنّه لا یرى شخصه، ولا یحلّ ذکره باسمه حتّی یرج فیملّا الارض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً قال: فقلت: اقررت، وأقول أن ولیهم ولیّ الله، وعدوّهم عدوّ الله، وطاعتهم طاعه الله، ومعصیتهم معصیه الله، اقول أن المعراج حقّ، والمسأله فی القبر حقّ، و أن الجنّه حقّ، و النار حقّ، والصراف حقّ، و المیزان حقّ، و أن الساعه آتیه لا یریب فیها، و أن الله یبعث من فی القبور، وأقول أن الفرائض الواجبه بعد الولايه الصلاه، والزکاه، والصوم، والحجّ، والجهاد، والامر بالمعروف و النهی عن المنکر فقال علی بن محمّد (علیهما السّلام): یا ابا القاسم! هذا والله دین الله الذی ارتضاه لعباده فاثبت علیه، ثبتک الله بالقول الثابت فی الحیاة الدنیا و فی الآخره. (1)

عبدالعظیم حسنی فرمود: بر آقا و مولای خود علی بن محمّد (علیهما السّلام) وارد شدم، چون نظر آن حضرت بر من افتاد، فرمود: مرحبا ای ابوالقاسم! تو حقاً از دوستان ما هستی عبدالعظیم گفت: عرض کردم: ای پسر پیغمبر! میل دارم عقائد دینی خود را بر شما عرضه بدارم، اگر مورد پسند باشد بر او ثابت باشم تا به لقای خداوند برسم امام (علیه السّلام) فرمود: عقائد

ص: ۱۷

خود را اظهار نما گفت: عرض کردم: من معتقدم خدا یکی است و مانند او چیزی نیست، و از دو حدّ ابطال و تشبیه بیرون است، خداوند جسم و صورت و عرض و جوهر نیست، بلکه پروردگار اجسام را جسمیت داده و صورت ها را تصویر فرموده، و اعراض و جواهر را آفریده است، او خداوند همه چیز و مالک و محدث اشیاء است. عقیده دارم محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بنده و فرستاده ی او خاتم پیغمبران است، و پس از وی تا روز قیامت پیغمبری نخواهد بود، شریعت وی آخرین شرایع بوده و پس از او دینی و مذهبی نخواهد آمد. عقیده ی من درباره ی امامت این است که امام بعد از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) است، بعد از او حسن، پس از وی حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی (علیهم السلام)، بعد از اینها امام مفترض الطاعه شما هستید در این هنگام حضرت هادی (علیه السلام) فرمود: پس از من فرزندانم حسن امام است لیکن مردم درباره ی امام بعد از او چه خواهند کرد گوید: عرض کردم: ای مولای من! مگر جریان زندگی امام بعد از او از چه قرار است فرمود: امام بعد از فرزندانم حسن شخصش دیده نمی شود و اسمش در زبانها جایز نیست ذکر گردد تا آن گاه که از پس پرده غیب بیرون شود و زمین را از عدل و داد پر نماید، همان طور که از ظلم و



ستم پر شده باشد عبدالعظیم گفت: عرض کردم: به این امام غائب هم معتقد شدم و اکنون می گویم: دوست آنان دوست خدا، و دشمن ایشان دشمنان خدا هستند. طاعت آنان طاعت پروردگار و معصیت و نافرمانی از آنها موجب معصیت اوست. من عقیده دارم که معراج و پرسش در قبر و هم چنین بهشت و دوزخ و صراط و میزان حقند، و روز قیامت خواهد آمد و در وجود آن شکی نیست، و خداوند همه ی مردگان را زنده خواهد کرد، و نیز عقیده دارم که واجبات بعد از اعتقاد به ولایت و امامت عبارت اند از: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر در این هنگام حضرت هادی (علیه السلام) فرمود: ای ابوالقاسم! به خدا سوگند این معتقدات شما دین خداست که برای بندگانش برگزیده، بر این عقیده ثابت باش خداوند تو را به همین طریق در زندگی دنیا و آخرت پایدار بدارد.

### ویژگی انتظار

۵. الحسین بن علی العلوی، عن سهل بن جمهور، عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسینی، عن الحسن بن الحسین العرنی، عن علی بن هاشم، عن ابیه، عن ابی جعفر (علیه السلام) قال: ما ضرَّ من مات منتظراً لامرنا الا یموت فی وسط فسطاط المهدی وعسکره. (۱) علی بن هاشم از پدرش از حضرت باقر (علیه السلام) روایت کرده که آن جناب فرمود: کسی که در انتظار «امر» ما باشد زیانی به او نخواهد رسید، و این شخص مانند این است که در وسط خیمه ی حضرت مهدی و در میان لشکر آن جناب مرده باشد.

### شرایط غیبت

۶. حدّثنا محمّد بن احمد الشیبانی (رضی الله عنه)، قال: حدّثنا محمد بن جعفر الکوفی - قال: حدّثنا سهل بن

ص: ۱۹

زیاد الادمی قال: حدّثنا عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی (رضی الله عنه) عن محمّد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (علیهم السّلام) عن ابيه عن آبائه عن امیرالمؤمنین (علیهم السّلام) قال: للقائم منّا غیبه امدها طویل، کأنی بالشیعه یجولون جولان النعم فی غیبه، یطلبون المرعی فلا یجدونه، الا- فمن ثبت منهم علی دینه ولم یقس قلبه لطول امد غیبه امامه فهو معی فی درجتی یوم القیامه ثم قال (علیه السّلام): انّ القائم منّا اذا قام لم یکن لاحد فی عنقه بیعه فلذلک تخفی ولادته ویغیب شخصه. (۱) عبدالعظیم حسنی از حضرت جواد (علیه السّلام) و او از آباء گرامش از امیرالمؤمنین روایت نموده که آن بزرگوار فرمود: برای قائم ما غیبتی است که زمان آن بطول خواهد انجامید، من شیعیان را می بینم در غیبت او مانند گوسفندان که در جستجوی چراگاه این طرف و آن طرف می روند سرگردان خواهند شد، و هرگز بوجود شریف آن حضرت راه پیدا نخواهند کرد. اکنون متوجه باشید هر کس از شیعیان ما در زمان غیبت بر دین و عقیده ی خود ثابت بماند، و دلش از طول غیبت خسته نگردد، وی در روز قیامت در نزد خودم قرار خواهد گرفت بعد از آن حضرت فرمود: قائم ما هرگاه قیام نماید تحت تبعیت احدی نخواهد بود، و برای این است که ولادت او از مردم مخفی می ماند، و وجود مقدسش از انظار غایب می گردد.

### منتظران، بهترین اهل زمان

۷. حدّثنا علی بن عبدالله الوریاق قال: حدّثنا محمّد بن هارون الصوفی، عن عبدالله بن موسی، عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی (رضی الله عنه) قال: حدّثنی صفوان بن یحیی، عن ابراهیم

ص: ۲۰

بن ابي زياد، عن ابي حمزه الثمالي، عن ابي خالد الكابلي قال: دخلت على سيدي علي بن الحسين زين العابدين (عليهما السلام) فقلت له: يا بن رسول الله! اخبرني بالذين فرض الله عزوجل طاعتهم و موذتهم، و اوجب على عباده الاقتداء بهم بعد رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) فقال لي: يا كابلي! ان اولي الامر الذين جعلهم الله عزوجل ائمة للناس و اوجب عليهم طاعتهم: امير المؤمنين علي بن ابي طالب (عليه السلام)، ثم الحسن، ثم الحسين ابنا علي بن ابي طالب. ثم انتهى الامر إلينا، ثم سكت فقلت له: سيدي! روى لنا عن امير المؤمنين (علي) (عليه السلام) ان الارض لا تخلو من حجه لله عزوجل على عباده، فمن الحجه و الامام بعدك قال: ابني جعفر، واسمه في التوراه باقر؛ يقر العلم بقرأ، هو الحجه و الامام بعدى، و من بعدى محمد ابنه جعفر، واسمه عند اهل السماء الصادق فقلت له: يا سيدي! فقلت فكيف صار اسمه الصادق و كلكم صادقون قال: حدثني ابي ابيه (عليهما السلام) ان رسول الله (عليه السلام) قال: اذا ولد ابني جعفر بن محمد علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب (عليهم السلام) فسّموه الصادق؛ فان للخامس بن ولده ولداً اسمه جعفر يدعى الامامه اجترأ على الله و كذباً عليه فهو عند الله جعفر الكذاب المفترى على الله عزوجل، والمدعى لما ليس له بأهل، المخاف على ابيه و الحاسد لآخيه، ذلك الذي يروم كشف ستر الله عند غيبه و لئى الله عزوجل ثم بكى على بن الحسين (عليهما السلام) بكاء شديداً ثم قال: كأتى بجعفر الكذاب و قد حمل طاغيه زمانه على تفتيش امر و لئى الله، و المغيب فى حفظ الله و التوكيل بحرم ابيه جهلاً منه بولادته، و حرصاً منه على قتله ان

ظفر به (و) صمغاً فی میراثه حتی يأخذه بغير حقه قال ابو خالد: فقلت له: يا بن رسول الله! وإن ذلك لكائن فقال: إي وربي إن ذلك لمكتوب عندنا في الصحيحه التي فيها ذكر المحن التي تجرى علينا بعد رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) قال ابو خالد: فقلت: يا بن رسول الله! ثم يكون ماذا قال: ثم تمتد الغيبه بولي الله عزوجل الثاني عشر من اوصياء رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) والائمه بعده يا ابا خالد! ان اهل زمان غيبته القائلين يمامته والمنتظرين لظهوره افضل من اهل كل زمان؛ لان الله تبارك و تعالی اعطاهم من العقول و الافهام و المعرفه ما صارت به الغيبه عندهم بمنزله المشاهده، وجعلهم في ذلك الزمان بمنزله المجاهدين بين یدی رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) بالسيف، اولئك المخلصون حقاً وشيعتنا صدقا، والدعاه الى دين الله عزوجل سراً و جهراً و قال على بن الحسين (عليهما السلام): انتظار الفرج من اعظم الفرج. (۱) ابو خالد کابلی گوید: بر سید خود علی بن الحسين (عليهما السلام) وارد شدم و به آن حضرت عرض کردم: ای فرزند پیغمبر! از کسانی که خداوند اطاعت از آنها را پس از پیغمبر واجب نموده و بندگان خود را به اقتدای آنان ملزم ساخته است مرا آگاه نما حضرت فرمود: ای کابلی! اولوالامری که پروردگار آنها را برای مردم پیشوا قرار داده و اطاعت ایشان را واجب نموده است، اولین آنها امیرالمؤمنین (علیه السلام) و بعد از وی دو فرزندش حسن و حسین (عليهما السلام) هستند، پس از این دو نفر مقام آنان به ما رسیده، پس حضرت ساکت شدند ابو خالد

ص: ۲۲

گوید: عرض کردم: ای سرور من! برای ما روایت کرده اند که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: زمین هیچگاه از حجت خدا خالی نمی ماند پس حجت و امام بعد از تو کیست حضرت فرمود: فرزندان من محمد که نام او در تورات باقر است؛ زیرا که علم را از هم خواهد شکافت و حقائق آن را برای مردم بازگو خواهد کرد او امام و حجت بعد از من است، پس از وی فرزندش «جعفر» حجت و امام است و نام او در نزد اهل آسمان «صادق» است راوی گوید: عرض کردم: ای سید من! چگونه وی را «صادق» نامیده اند در حالی که شما اهل بیت همه صادق و راستگو هستید حضرت فرمود: پدرم از پدرش روایت کرده که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر گاه فرزندانم جعفر بن محمد متولد شد او را صادق نام بگذارید؛ زیرا که پنجمین فرزند او که جعفر نام خواهد داشت مدعی مقام امامت خواهد شد، وی در نزد پروردگار کذاب و مفتری محسوب است و مدعی مقامی است که اهلیت آن را ندارد، او با پدرش مخالفت می نماید و به برادرش حسد می ورزد، او در هنگامی که ولی خدا غایب است قصد افشای اسرار پروردگار را خواهد کرد پس از این حضرت سجاد (علیه السلام) گریه زیادی نموده و فرمود: گویا می بینم جعفر کذاب را در حالیکه طاغیه ی زمان خود را در جستجوی امر ولی خدا راهنمایی می کند، و حال اینکه ولی پروردگار در محافظت خداوند قرار گرفته و وکالت حرم پدرش بعهد ی وی نهاده شده، جعفر کذاب از روی جهلی که به ولادت ولی عصر دارد حریص است

که آن حضرت را بعد از ولادت بقتل برساند برای اینکه به میراث پدرش دست پیدا کند و ارث او را بدون استحقاق دریافت نماید ابو خالد گوید: عرض کردم: ای پسر رسول خدا! این اموری که فرمودید انجام خواهد گرفت حضرت فرمود: آری به پروردگرم سوگند این مطالب در صحیفه ای که نزد ما موجود است نوشته شده، و در آن صحیفه تمام سختیها و پیش آمدهایی که برای ما پیش آمد خواهد کرد مضبوط است ابو خالد گوید: عرض کردم: پس از آن چه خواهد شد حضرت فرمود: پس از آن غیبت ولی خدا و دوازدهمین وصی حضرت رسول و ائمه (علیهم السّلام) به درازا خواهد کشید فرمود: ای ابو خالد! مردمان زمان غیبت که به امامت او معتقد گردند و منتظر ظهور او باشند بهترین مردمان هستند؛ زیرا خداوند به اندازه ای به آنان فهم و خرد و شناخت مرحمت فرموده که غیبت در نزد آنها بمنزله مشاهده، و مردم آن زمان مانند کسانی که در پیشاپیش مقابل حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) به جهاد پرداخته باشند محسوب خواهند شد، آنها حقاً بندگان خالص و شیعیان راستگو هستند، و آنانند که مردم را بسوی دین خدا در آشکار و پنهان دعوت می کنند و در پایان حدیث حضرت فرمود: انتظار فرج از بهترین اعمال است.

### ویژگی های مهدی

۸. حدّثنا علی بن احمد بن موسی الدقاق (رضی الله عنه) قال: حدّثنا محمّد بن هارون الصوفی قال: حدّثنا ابو تراب عبد الله بن موسی الرویانی قال: حدّثنا عبد العظیم ابن عبد الله بن علی بن الحسین بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب (علیهم السّلام) [الحسنی قال: دخلت علی

سید محمد بن علی موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین ابن علی بن ابی طالب (علیهم السّلام) وانا اُرید ان اسأله عن القائم اهو المهدي او غيره، فابتد انی فقال لی: یا ابوالقاسم! أنّ القائم منّا هو المهدي يجب ان ينتظر فی غیبه، ويطاع فی ظهوره، وهو الثالث من ولدی، والذي بعث محمداً (صلی اللّهُ علیه و آله و سلّم) بالنبوّه وخصنا بالامامه انه لو لم یبق من الدنيا الاّ یوم واحد لطوّل اللّهُ ذلك الیوم حتّی یرج فیهِ فیملاء الارض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً، وانّ اللّهُ تبارک و تعالی لیصلح له امره فی لیله كما اصالح امر کلیمه موسی (علیه السّلام) إذ ذهب لیقتبس لاهله ناراً فرجع و هو رسول نبی ثم قال (علیه السّلام): افضل اعمال شیعتنا انتظار الفرج (۱) عبدالعظیم حسنی گفت: بر ابو جعفر محمد بن علی (علیهما السّلام) وارد شدم و قصد داشتم که از آن حضرت راجع به «قائم» که آیا مهدی همان است پرسش نمایم. قبل از این که من موضوع سؤال را مطرح کنم، آن بزرگوار خود آغاز سخن فرمود، گفت: این ابوالقاسم! بدرستی که قائم از خاندان ما همان «مهدی» است که واجب است انتظار او کشیده شود در غیبتش، و اطاعت گردد در ظهورش، وی سومین فرزند از اولاد من است. سوگند به خدایی که محمد را برستی برانگیخت، و ما را به امامت مخصوص گردانید اگر از دنیا نماند مگر یک روز، خداوند آن روز را چنان طول خواهد داد که تا مهدی از پشت پرده ی غیبت بیرون گردد، و زمین را از عدل و داد پر نماید همان طور که از جور و ستم پر

ص: ۲۵

شده باشد، خداوند امور ولی عصر را در یک شب اصلاح خواهد نمود، به همان روشی که امر موسی بن عمران را در هنگامی که رفت از کوه آتش بیاورد اصلاح فرمود و او را به اهلس برگردانید در حالیکه پیغمبر بود و در پایان حدیث حضرت فرمود: بهترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است.

### نتیجه روایت نقل شده از طریق عبدالعظیم حسنی درباره امام عصر

از روایت نقل شده از طریق عبدالعظیم حسنی (علیه السّلام) در باره امام عصر (علیه السّلام) می توان به نتایج و تعالیم زیر دست پیدا کرد: ۱. امام زمان (علیه السّلام) سومین فرزند امام محمدتقی (علیه السّلام) و همنام و هم کنیه با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلّم) است. ۲. امام عصر (علیه السّلام)، پس از آنکه جهان سرشار از ظلم و ستم شده است، آن را از عدل و داد آکنده می کند. ۳. تعداد یاران اولیه او در ابتدا ۳۱۳ نفر و به تعداد نفرات لشکر اسلام در جنگ بدر است و پس از آن با سپاهی که ده هزار نفر می باشند به فرمان الهی قیام می کند. ۴. بیعت هیچ کسی در گردن او نیست. ۵. از دشمنان خدا، آن قدر می کشد تا خداوند خشنود گردد. ۶. خداوند کار او را در یک شب اصلاح می کند، چنان که مشکل موسای کلیم را در یک شب اصلاح کرد. ۷. بهترین اعمال شیعیان، انتظار فرج است و بهترین افراد منتظران ظهور اویند. فیاربّ عجل فی ظهور امامنا فهذا دعاء للبریه شامل.



بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

